

مراتب و آثار انس با قرآن کریم، در آیات و روایات

محمد رادمرد*

چکیده

انس گرفتن انسان با چیزی موجب آرامش و دوری از وحشت و تنهایی او می‌شود. در بسیاری از روایات و آیات، قرآن، مونس برای انسان معرفی شده است. در کنار معرفی قرآن به عنوان مونس انسان، مراتب، ویژگی‌ها و آثار آن نیز بیان شده است. اگر انسان بخواهد انس خوبی با قرآن داشته باشد، باید بهترین راه را انتخاب نماید. با استفاده از خود قرآن و روایات، مراتبی برای انس با قرآن ذکر شده است، بر این اساس است که از نخستین روزهای نزول قرآن کریم تا کنون، هر کس به فراخور حال و نیاز و استعداد خویش، از آن کسب معرفت نموده است. عارفان، فیلسوفان، متکلمان، علمای اخلاق، خطیبان و سخنوران، اهل بلاغت و فصاحت، روانشناسان، مورخان و همه و همه در برابر قرآن زانو زده و با دست نیاز سراغ انس با قرآن آمده‌اند تا بتوانند از این دریای بیکران الهی استفاده نمایند.

این مقاله با استفاده از بیانات بزرگان و با استفاده از آیات و روایات و با بررسی پاره‌ای از مقالات مربوط به قرآن و انس با آن و تفکر در این موضوع بدست آمده است.

کلید واژه

قرآن، انس با قرآن، قرائت، تلاوت، مراتب انس.

مقدمه

انس با قرآن کریم در حال حاضر یکی از دغدغه‌های فرهنگی جامعه از دیدگاه بسیاری از بزرگان است، که به وسیله انس با قرآن، ترجمه‌های دقیق و زیبا، تحلیل و تفسیر، الگوگیری مناسب، پاسخ به شبهات و... را می‌توان بدست آورد.

این موضوع بر خلاف تأکیدات رهبری بر انس با قرآن خیلی کم بررسی شده و حتی می‌توان گفت، اصلاً کتابی در این خصوص نوشته نشده است و فقط بصورت نوشته‌ای به آن اشاره شده است. در این مقاله با استفاده از روایات و آیات قرآن، در مرحله اول مراتب انس با قرآن مطرح شده عبارت است از: ۱- نگهداری آن در خانه ۲- نگاه به قرآن ۳- استماع قرائت قرآن ۴- قرائت قرآن از روی مصحف ۵- تلاوت قرآن ۶- حفظ قرآن کریم ۷- تدبر در قرآن ۸- عمل و تمسک به قرآن. این هشت مرحله یا مراتبی است برای انس با قرآن، که پایین‌ترین آن نگهداری در خانه و بالاترین و بهترین راه انس نیز خواندن همراه با عمل و تمسک به قرآن است.

در مرحله دوم مهم‌ترین تأثیرات انس با قرآن به صورت خلاصه بیان شده است. اگر کسی انس خوب و بهتری با قرآن داشته باشد، آثار و برکاتی از این انس خود در زندگی خود و خانواده و جامعه‌ی خود می‌بیند. برخی از این آثار عبارت‌اند از: افزایش ایمان، نورانیت زندگی، بصیرت و آگاهی، هم نشینی با فرشتگان، ایمنی از عذاب خداوند، آرامش قلب، بالاترین درجات بهشت، دوری از افسردگی، تقویت حافظه، خودسازی، نجات از تنهایی، خانواده‌ای سالم و مستحکم، جامعه‌ای با ایمان و استوار و همراه با پیشرفت و....

تعریف انس با قرآن کریم

انس در بسیاری از لغات به ضد وحشت؛ یعنی طمأنینه و آرامش و نیز به خو گرفتن تعبیر شده است. انس، آرامش می‌دهد و با مد نظر قرار دادن معنای دوم نیز، مثل او شده و طبیعت و سرشتش تغییر می‌کند.

در روایات اهل بیت^{علیهم‌السلام} برای دوری از وحشت و رسیدن به آرامش روحی و روانی راهکارهایی بیان شده است، که بسیار قابل تأمل است؛ مانند فرمایش حضرت امیرالمومنین^{علیه‌السلام} که می‌فرمایند: «مَنْ أَسَّ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ لَمْ تُوحِشْهُ مُفَارِقَةُ الْأَخْوَانِ»؛ کسی که به خواندن و تلاوت قرآن انس بگیرد، جدایی برادران و دوستان او را به وحشت نمی‌اندازد (آمدی، ۱۳۸۹ق، ۸۷۹۵، ۷۰۷).

آن حضرت در مناجات خویش، چنین زمزمه می‌کنند: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَسُّ الْأَنْبِيَاءِ لِأَوْلِيَانِكَ... إِنَّ أَوْحَشْتُمُ الْغُرَبَاءَ أَنَسَهُمْ ذِكْرُكَ»؛ پروردگارا! تو برای دوستانت مانوس‌ترین مونس‌هایی واگر غربت، آنان را

به وحشت اندازد، یاد تو مونس تنهایی آن هاست (علی ابن ابی طالب، ۴۰ ق، خ ۲۲۷).
امام صادق علیه السلام در حدیثی زیبا می‌فرماید: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ إِخْتَلَطَ الْقُرْآنَ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ»؛ کسی که قرآن را بخواند در حالی که جوان با ایمان باشد قرآن با گوشت و خونس آمیخته شود (کلینی، ۵۱۳۴۸، ق، ۴، ۴۰۵).

با توجه به این احادیث و احادیث فراوانی که درباره انس گرفتن آمده، در می‌یابیم که بهترین مونس قرآن کریم و ذکر خدا است و بجز آن چیز دیگری نیست.
قرآن بهترین مونس انسان در تنهایی‌ها و نگرانی‌های زندگی است که جلوه‌ای از علم و حکمت پروردگار و نشانگر عظمت خداوند متعال است.

مراتب انس با قرآن کریم

نظام پیشنهادی که از مجموع روایات مربوط به قرآن بدست می‌آید؛ از نگهداری قرآن در خانه آغاز می‌شود و با بالاترین درجه؛ یعنی عمل و تمسک به قرآن پایان می‌یابد. مراتب انس با قرآن بدین ترتیب است:

۱. نگهداری در خانه

پایین‌ترین مرتبه‌ی انس با قرآن، نگهداری آن در منازل است. اگر کسی قادر نیست که هیچ‌گونه ارتباطی با قرآن داشته باشد، لاقلاً آن را در منزل نگهداری کند. لذا امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «اللَّهُ لِيُجِيبَنِي أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ مُصْحَفٌ يَطْرُدُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الشَّيَاطِينِ»؛ در شگفتم از اینکه قرآن در خانه است و شیاطین به واسطه آن از خانه دفع می‌شوند (همان ۴۱۷).
البته ناگفته نماند که در برخی روایات از نگهداری قرآن و اکتفا به آن، بدون رجوع برای قرائت و حفظ و انس با آن، بطوری که گرد و غبار قرآن را بگیرد، بر حذر کرده‌اند.

۲. نگاه کردن به قرآن

در مورد نگاه کردن به قرآن روایات متعددی هست که آن را نوعی عبادت و انس شمرده‌اند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی فرموده‌اند: «النَّظَرُ إِلَى الْمُصْحَفِ عِبَادَةٌ»؛ نظر کردن به قرآن عبادت است (مجلسی، ۵۱۳۰۴، ق، ۲۰۴/۱).

در روایت دیگری از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله آمده است که: «أَعْطُوا عَيْنَكُمْ حَظَّهُمِنَ الْعِبَادَةِ. قَالُوا: وَ مَا حَظُّهَا مِنَ الْعِبَادَةِ؟ قَالَ: النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ وَ التَّفَكُّرُ فِيهِ وَ الْإِعْتِبَارُ عَنْهُ عَجَائِبُهُ»؛ چشمانتان بهره‌ای از عبادت دارند که باید به آن‌ها ببخشید. سوال کردند: نصیب آن‌ها از عبادت چیست؟ فرمودند: نگاه کردن به قرآن و فکر کردن در آن و پند گرفتن از شگفتی‌های آن (کلینی، ۵۱۳۴۸، ق، ۴/۴۱۸).

در اصول کافی جلد ۱، در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ می‌فرمایند: «النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ مِنَ غَيْرِ قِرَاءَةٍ عِبَادَةٌ»؛ نگاه کردن به خطوط قرآن بدون قرائت آن، عبادت است (همان).

۳. گوش دادن به قرائت قرآن

خداوند متعال از دیگر مراحل انس با قرآن را رعایت سکوت و گوش دادن به آن، هنگام قرائت قرآن بیان می‌کند و می‌فرماید: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (اعراف ۲۰۴).
قبل از مرحله قرائت، گوش دادن به قرآن است. اگر کسی به هر دلیلی مانند، بی سواد یا نابینایی و... از قرائت قرآن ناتوان یا محروم است، می‌تواند به آن گوش دهد.

پیامبر اکرم ﷺ این تقدم و تأخر رتبه استماع و قرائت را در روایتی چنین فرموده‌اند: «مَنْ اسْتَمَعَ الَى آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى كَتَبَ لَهُ حَسَنَةً مُضَاعَفَةً، وَمَنْ تَلَاهَا كَانَتْ لَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ هر کس به آیه‌ای از کتاب خدا گوش فرا دهد، خداوند برای او حسنه‌ی مضاعف می‌نویسد و هر کس آیات آن را تلاوت کند، آیات آن، همانند نوری در قیامت برایش جلوه خواهد کرد (کلینی، ۵۱۳۴۸، ق، ۴/۴۱۸).

مرحوم کلینی در اصول کافی از امام سجاده ﷺ این چنین نقل می‌کند: «مَنْ اسْتَمَعَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، مِنْ غَيْرِ قِرَائَتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَ مَحَا عَنْهُ سَيِّئَةً وَرَفَعَ لَهُ دَرَجَةً»؛ اگر کسی حرفی از کتاب خدا را فقط گوش کند و تلاوت هم نکند، خداوند برایش حسنه می‌نویسد و گناه او را محو می‌کند و درجه اش را بالا می‌برد (همان ۴۱۶).

۴. قرائت قرآن از روی مُصْحَف

قرائت قرآن، مرحله‌ای از مراحل انس با قرآن است؛ اما کامل نیست. قرائت، ممکن است از روی مصحف باشد و ممکن است از حفظ خوانده شود. رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «لَيْسَ شَيْءٌ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ قِرَاءَةِ الْمُصْحَفِ نَظْرًا»؛ هیچ چیزی بر شیطان دشوارتر از قرائت قرآن از روی آن نیست (قمی، ۵۱۳۶۶، ق، ۲۳۱).

امام صادق ﷺ فرموده‌اند: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمُصْحَفِ مَنَّعَ بَصَرِهِ وَخَفَّفَ عَنِ الْوَالِدِيهِ وَإِنْ كَانَ كَافِرِينَ»؛ هر که قرآن را از روی آن بخواند، از دیدگان خود بهره مند شود و سبب سبک شدن عذاب پدر و مادرش شود اگر چه آن دو کافر باشند (کلینی، ۵۱۳۴۸، ق، ۴/۴۱۷).
با توجه به این احادیث، فهمیده می‌شود که قرائت همراه نگاه کردن به قرآن، انس بیشتری نسبت به خواندن از حفظ دارد، دلیل این امر نیز، تأثیر نگاه کردن است.

۵. تلاوت قرآن

تلاوت قرآن، متابعت از قرآن در قرائت و دنبال کردن معانی و پیروی از آن است. پس هر تلاوتی،

قرائت است؛ اما هر قرائتی تلاوت نیست؛ در اصل، تلاوت در مواردی به کار می‌رود که مطالب قرائت شده، وجوب پیروی را در پی خود آورد. خداوند متعال می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا هُمْ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ» (بقره ۱۲۱)؛ کسانی که به آنان کتاب دادیم آن را به حق تلاوت می‌نمایند، چرا که به آن ایمان دارند.

در تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دامت برکاته ذیل همین آیه، درباره «حق تلاوت» آورده‌اند که: «این تعبیر، تعبیر پر معنایی است و خط روشنی برای ما در برابر قرآن مجید و کتب آسمانی مشخص می‌سازد؛ چرا که مردم در برابر این آیات الهی چند گروهند: گروهی تمام اصرارشان بر ادای الفاظ و حروف از مخارج آن است. آن‌ها دائم در فکر وقف و وصل و حروف یرملون و شد و مدند و کمترین اهمیتی به محتوا و معنی نمی‌دهند، چه رسد به عمل کردن به آن. به گفته‌ی قرآن، این‌ها همانند حیوانی هستند که کتاب‌هایی بر او بار شده است (كَمَلِ الْجَمَارِ يَحْمِلُ اسْفَارًا).

گروهی دیگر از الفاظ فراتر رفته، در معانی دقت می‌کنند و در ریزه کاری‌ها و نکات قرآن می‌اندیشند و از علوم آن آگاهند اما از عمل خبری نیست؛ ولی گروه سومی هستند که مؤمنان راستینند، قرآن را به عنوان یک کتاب عمل و یک برنامه‌ی کامل زندگی پذیرفته‌اند، خواندن الفاظ و اندیشه در معانی و درک مفاهیم این کتاب بزرگ را مقدمه‌ای برای عمل می‌دانند، و لذا هر زمانی قرآن می‌خوانند روح تازه‌ای در کالبد آن‌ها پیدا می‌شود، تصمیم و اراده تازه، آمادگی و اعمال تازه، و این است حق تلاوت».

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی ۱۲۱ بقره، می‌فرماید: «يُرْتَلُونَ آيَاتِهِ وَيَتَفَقَّهُونَ فِيهِ وَيَعْمَلُونَ بِأَحْكَامِهِ وَيَرْجُونَ وَعْدَهُ وَيَخَافُونَ وَعِيدَهُ وَيَعْتَبِرُونَ بِقَصَصِهِ، يَأْتَمِرُونَ بِأَمْرِهِ، يَتَنَاهَوْنَ عَنِ نَوَاهِيهِ، مَا هُوَ وَاللَّهُ حَفِظَ آيَاتِهِ وَدَرَسَ حُرُوفَهُ وَتَلَاوَهُ نُورَهُ وَ دَرَسَ اعْشَارَهُ وَاحْمَاسَهُ، حَفِظُوا حُرُوفَهُ وَأَصَاعُوا حُدُودَهُ وَإِنَّمَا تَدَبَّرَ آيَاتِهِ وَالْعَمَلُ بِأَحْكَامِهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ»؛ آیات آن را بادقت بخوانند و حقایق آن را درک کنند و به احکام آن عمل بنمایند، به وعده‌های آن امیدوار و از وعیدهای آن ترسان باشند، از داستان‌های آن عبرت بگیرند، به امرش گردن نهند و نواهی آن را ببپذیرند، به خدا سوگند منظور حفظ کردن آیات و خواندن حروف و تلاوت سوره‌ها و یاد گرفتن اعشار و احساس آن نیست. آن‌ها حروف قرآن را حفظ کردند؛ اما حدود آن را ضایع ساختند، منظور تنها این است که در آیات اندیشه کنند و به احکامش عمل کنند، چنان که خداوند می‌فرماید: این کتابی است پر برکت، که ما بر تو نازل کردیم تا در آیاتش تدبر کنند.

۶. حفظ قرآن کریم

حفظ، یکی از بهترین مراحل انس با قرآن است. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «الْحَافِظُ

لِلْقُرْآنِ الْعَمَلِ بِهِ مَعَ اسْتَقْرَاهُ الْكِرَامُ الْبَرَّةَ»؛ کسی که قرآن را حفظ و از بر نماید و عامل به دستورهای آن باشد (در سرای آخرت) با فرشتگان نیکوکار و ارجمندی که واسطه میان خدا و پیامبر هستند، محشور می‌گردد (کلینی، ۱۳۴۸ ه. ق، ۴/۴۰۵). و نیز پیامبر خدا ﷺ در حدیثی فرموده‌اند: «إِقْرَأُوا الْقُرْآنَ وَاسْتَظْهِرُوهُ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُعَذِّبُ قَلْبًا وَعَا الْقُرْآنَ»؛ قرآن را بخوانید و حفظ کنید؛ زیرا خداوند تعالی قلبی که قرآن را در خود جای داده، عذاب نمی‌کند (مجلسی، ۱۳۰۴ ه. ق، ۲/۱۹).

براساس این روایات، حفظ قرآن کریم، به دلیل اینکه هم می‌تواند به وسیله حفظ، قرآن را قرائت کرد و هم تأمل و تدبر کرد، زمینه‌ی بسیار خوبی برای انس با قرآن کریم است.

۷. تدبر در قرآن کریم

یکی از عالی‌ترین مراحل ارتباط و انس با قرآن کریم، اندیشیدن در آیات است: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»؛ آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ هر گاه از سوی کسی جز خدا می‌بود در آن اختلافی بسیار می‌یافتند. (نساء، ۴)؛ «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»؛ آیا در قرآن نمی‌اندیشند یا در دل‌هایشان قفل‌هاست (محمد ۲۴).

همانطوری که در بحث تلاوت گذشت، در تلاوت قرآن هرگز نباید بدون تدبر و تأمل قرآن را قرائت کرد؛ زیرا با تدبر در آیات، تطبیق آیات با یکدیگر و بررسی آن‌ها با هم آسان شده، و هماهنگی معانی و معارف آن‌ها نمایان می‌شود و بهترین راه فهم و تدبر در قرآن بهره‌مندی از معلمان قرآن؛ یعنی روایات اهل بیت ﷺ است؛ زیرا از آن جایی که تنها ایشان عدل قرآن و مفسر قرآن معرفی شده‌اند و نیز به دستور خود قرآن کریم، در فهم آن می‌بایست به راسخون در علم؛ یعنی امامان معصوم ﷺ مراجعه نمود.

۸. عمل و تمسک به قرآن

این مرتبه، کامل‌ترین مرتبه انس با کلام خداست که در آیات و روایات بیشترین تأکید روی آن شده است. تعبیرات مختلفی از پیامبر ﷺ و ائمه در مورد عمل به قرآن رسیده است و تعبیراتی دیگر، مثل اتباع، تمسک و حق التلاوه، نیز بیان شده که ناظر بر عمل به قرآن است.

امیرالمومنین ﷺ می‌فرماید: «يَا حَمَلَةَ الْقُرْآنِ إِعْمَلُوا فَإِنَّ الْعَالَمَ مِنْ عَمَلٍ بِمَا عِلْمٌ وَ واثقَ عَمَلُهُ عِلْمُهُ وَ سَيَكُونُ اقْوَامٌ يَحْمِلُونَ الْعِلْمَ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيهِمْ، يَخَالِفُ سَرِيرَتَهُمْ عَلَانِيَهُمْ»؛ ای کسانی که عالم به قرآن هستید، به آن عمل کنید؛ چون عالم کسی است که به آنچه می‌داند، عمل می‌کند و عمل او مطابق علمش است. به زودی مردمی خواهند آمد که علمشان از گلوهای آن‌ها تجاوز نمی‌کند و باطن آن‌ها با رفتار ظاهر آن‌ها مخالفت می‌کند (الهندی، ۱۳۹۷ ه. ق، ۹/۲۹۴).

امام علی ﷺ در تعبیر زیبایی قرآن را به لباس زیرین تعبیر کرده است و فرمودند: «طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ

فی الدنيا الراغِبِینَ فی الآخرة، اولئک قومٌ اتخَذُوا القرآنَ شعاراً؛ خوشا به حال زاهدان در دنیا، کسانی که به آخرت میل دارند و قرآن را چون لباس زیرین خویش قرار دادند! (علی ابن ابی طالب، نهج البلاغه: حکمت ۱۰۴)

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «تَمَسَّکَ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ وَانْتَصَحَهُ وَحَلَّلَ حَلَالَهُ وَحَرَّمَ حَرَامَهُ وَاعْمَلَ بِعَزَائِمِهِ وَاحْکَامِهِ»؛ به قرآن چنگ بزن و نصیحتش را بپذیر و حلالش را حلال و حرامش را حرام گردان و به واجبات و احکام آن عمل کن (آمدی، ۱۳۸۹ ه. ق، ۴۵۵۰/۳۷۰).

امام سجاد علیه السلام نیز درباره‌ی انس با قرآن می‌فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَصِمُ بِحَبْلِیهِ، وَیَأْوِی مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَى حِرْزِ مَعْقِلِهِ، وَ یَسْكُنُ فِی ظِلِّ جَنَاحِهِ، وَ یَهْتَدِی بِضَوْءِ صَبَاحِهِ، وَ یَقْتَدِی بِتَبْلُجِ إِسْفَارِهِ، وَ یَسْتَصْبِحُ بِمِصْبَاحِهِ، وَ لَا یَلْتَمِسُ الْهُدَى فِی غَیْرِهِ»؛ خدایا! درود بر محمد و آل او فرست، و ما را از کسانی قرار ده که چنگ در ریسمان محکم قرآن زنند و در حوادث شبهه ناک به سنگر محکم آن پناه ببرند، و در زیر سایه بال او بیاسایند، و چون روشنی بامداد بدان راه شناسند و مانند پرتو تابناک سپیده دم، پیروی دستور او کنند و از فروغ چراغ او روشن شوند و راه حق از غیر او نجویند (علی ابن الحسین ۳۸-۴۸ ه. ق، دعای چهل و دوم).

تأثیرات روحی روانی قرآن کریم

۱. اطمینان دل؛

«أَلَا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ قرآن مایه حیات روحانی و جسمانی و زندگی فردی و جمعی مسلمانان می‌باشد؛ زیرا این صحیفه الهی چراغی است که روشنی آن هرگز فروغی نمی‌نشیند بنیانی است که پایه‌های آن هرگز متزلزل نمی‌شود.

در نگاه یک مسلمان، خداوند سبحان، قدرت مطلق و صاحب همه ملک و ملکوت است و تمامی نظام هستی سربازان‌دیشه اویند؛ هیچ قدرتی، جز قدرت اونیست، هیچکس، نمی‌تواند بدون او نفع و ضرری برساند و همه هستی فرمانبردار اویند، صاحب و موثر در هستی فقط خداست: پس تنها اوست که قدرت و مالکیت دارد و به هر کس که بخواهد می‌بخشد و از هر کس که بخواهد می‌ستاند: «قُلْ اللَّهُمَّ مَالِکُ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشَاءُ وَتُنزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ» (آل عمران ۲۶).

نکته دیگر اینکه تمامی گرفتاری‌ها و دلتنگی‌ها، تردیدها، بیم‌ها و امیدهای بشر، در دو چیز نهفته

است: ۱- از دست دادن چیزی یا کسی ۲- به دست نیاموردن چیزی یا کسی؛

افرادی که با این دو نگرش زندگی می‌کنند، همیشه نگران حوادث آینده هستند. اسلام، با کلام وحی

بشارت می‌دهد که نگران نباشید و ترسی نداشته باشید. اگر رابطه درست با صاحب نظام هستی برقرار کند، بر او توکل کند و نگران نباشد و یا در این همه عظمت و قدرت و رحمت بی‌کران، بخشندگی بی‌انتها، غفران، تبدیل سیئات به حسنات آرام می‌گیرد و امید را ازدست نمی‌دهد؛ توان دوباره می‌یابد، دل بر او می‌سپارد و آرام آرام به ساحل نجات دست پیدا می‌کند.

۲. بصیرت و آگاهی؛

شخصی که بصیر نباشد و راه و چاه را در پیچ و خم حوادث تشخیص ندهد، هرگز نمی‌تواند بر سر منزل مقصود برسد، برای همین، زندگی با آیات قرآن برای همه‌ی انسان‌ها آگاهی بخش و بصیرت افزاست و مانند چراغ راه، روشنی بخش است، خداوند می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أُنَبِّئُكُمْ بِمَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ»؛ بگو: من تنها از چیزی پیروی می‌کنم که بر من وحی می‌شود، این وسیله بینایی در طرف پروردگارتان و مایه‌ی هدایت و رحمت است برای جمعیتی که ایمان می‌آورند (همان ۲۰۳). همچنین در آیه‌ی ۲۰ سوره جاثیه، قرآن، بهترین وسیله بصیرت معرفی شده است: «هَذَا بَصَائِرٌ لِلنَّاسِ وَهَدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ»؛ این قرآن وسایل بینایی و بصیرت و مایه‌ی هدایت و رحمت است برای مردمی که به آن یقین دارند.

۳. دوری از افسردگی؛

مشکلات و شکست‌ها در زندگی، از مهم‌ترین عوامل ایجاد اندوه و در نهایت افسردگی است. افسردگی، انسان را از حالت طبیعی و اعتدال خارج می‌کند و زمینه بسیاری از بدبختی‌های دیگر و گاه حتی خودکشی را فراهم می‌کند. خداوند، در آیات قرآنی بیان می‌کند که اصولاً دنیا محل گذر انسان است و هر گونه تعلق و وابستگی و دلبستگی به آن، کاری بیهوده و لغو است: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (انعام ۳۲)».

از نظر خداوند، زندگی دنیا به عنوان لهو و لعب مطرح می‌شود؛ زیرا نباید به عنوان یک اصل مورد توجه و طلب قرار گیرد. هر گونه طلب از دنیا، کاری بیهوده است و آدمی را از مقصد عالی دور می‌سازد. بدترین حالتی که انسان‌ها در زندگی دنیوی برآن گرفتار می‌شوند فراتر از طلب دنیا، دلبستگی به آن است به گونه‌ای که دنیا برای آن‌ها محبوب و دوست داشتنی می‌شود. در چنین حالتی، فقدان محبوب دشوارتر شده و اندوه و حزن به شدت افزایش می‌یابد و شخص را به جنون می‌کشاند، در حالی که انسان مومن که نگرش الهی دارد و برای تو آخرت و ابدیت اصالت دارد دنیا ابزاری برای آخرت سازی است؛ نگاه مومن به دنیا نگاه ابزاری است که می‌بایست به درستی از کارکرد هر یک آگاه شد و آن را برای مقاصد اخروی به کار گرفت. بنابراین یاد خدا و توسل و شفاعت از قرآن و اهل بیت، در مان مناسبی برای

۴. دواى دردها؛

همان گونه که تن آدمی دردمند می‌گردد و نیازمند مداواست، قلب و روح آدمی نیز دچار درد، مرض و آسیب می‌شود. قرآن کریم درباره منافقان می‌فرماید: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا»؛ (بقره ۱۰) حقیقت آن است که دردهای روحی، بسیار عمیق‌تر و عدم مداوای آن اثرات جبران ناپذیری بر زندگی آدمی و سعادت وی می‌گذارد. خداوند قرآن کریم را مایه‌ی «شفا» دردها معرفی کرده و می‌فرماید: «وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»؛ و این قرآن را برای مومنان شفا و رحمت نازل می‌کنیم، ولی کافران را جز زیان نمی‌افزاید (اسراء ۸۲).

تکبر و خود برتربینی، حسد و ظلم و تجاوز و فتنه‌گری، سرکشی، طغیان و شرک و بسیاری از دردهای امروز جامعه بشری، ریشه در دور افتادن از تعالیم قرآن و دین دارد که متأسفانه بسیاری از مسلمین نیز با وجود داشتن نسخه‌ای شفا بخش، گرفتار پاره‌ای از این دردها هستند.

البته شفا بخشی قرآن، به دردهای روحی منحصر نمی‌شود، بلکه روایات بسیاری از پیامبر ﷺ و معصومین ﷺ وجود دارد که نقش و تأثیر قرآن در بهبود دردهای جسمی تأکید می‌کند. از امام صادق ﷺ روایت شده که مردی در محضر رسول اکرم از درد سینه خود شکایت کرد. حضرت فرمود: به قرآن کریم شفا بجوی؛ زیرا خدای عزو جل می‌فرماید: «وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ» (کلینی، ۵۱۳۴۸، ق، ۴/۴۰۰).

۵. تقویت حافظه؛

یکی از امتیازات قرآن کریم این است که تلاوت و به خاطر سپردن آن، سبب تقویت روح و حافظه می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ در این باره می‌فرماید: «ثَلَاثٌ بَرَدْنَ فِي الْحِفْظِ وَيُدْهِبْنَ السُّقْمَ: اللَّبَانُ وَالسَّوَاكُ وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ»؛ سه چیز حافظه را تقویت می‌کند و بیماری را از بین می‌برد: ۱- کندر خوردن ۲- مسواک کردن ۳- قرائت قرآن (مجلسی، ۵۱۳۰۴، ق، ۱۲۷/۷۶ و ۱۳۹).

۶. عامل خودسازی؛

انس با قرآن کریم خود سازی، و سبب از بین رفتن خود بینی و حب دنیا و کلیه صفات منفی و زشت و نامیمون می‌شود؛ زیرا قرآن این گونه صفات را مذمت می‌کند و سعی در از بین بردن این صفات را دارد. انسانی که با چنین افکاری مانوس باشد، خود را اسیر دنیا نمی‌کند بلکه دنیا و آنچه در آن است را مسخر خود می‌کند و به عنوان ابزار الهی، جهت تعالی خود و دیگران استفاده می‌کند.

امام صادق ﷺ در این باره می‌فرماید: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌ مُّؤْمِنٌ اِخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ. کسی که قرآن را بخواند در حالی که جوان با ایمان باشد قرآن با گوشت و خونش آمیخته می‌شود (کلینی ۵۱۳۴۸، ق، ۴/۴۰۵).

از این روایت فهمیده می‌شود که مانوس بودن با قرآن در دوران جوانی تأثیرش بیشتر است؛ دلیل این مطلب را در نهج البلاغه امام المتقین، امیرالمومنین علیه السلام چنین بیان می‌فرمایند: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ. دل نوجوان مانند زمین آماده است که هر بذری در آن افشاندن شود، می‌پذیرد. (علی ابن ابی طالب، ۵۴۰. ق، نامه ۳۱)

۷. نجات از تنهایی؛

کتاب، بهترین هم نشین تنهایی است و قرآن کریم زیباترین، دقیق‌ترین، عمیق‌ترین و با نفوذترین کتاب شمرده می‌شود. امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ كَمَا اسْتَوْحَشَتْ بَعْدَ أَنْ تَكُونَ الْقُرْآنَ مَعِيَ»؛ اگر همه مردم در شرق و غرب عالم بمیرند، تا زمانی که قرآن همدم و همراه من است، کمترین ترسی از تنهایی، به خود راه نخواهم داد (کلینی، ۵. ش ۱۳۴۸، ۴، ۴۰۳).

۸. افزایش ایمان؛

با مؤمنانی که از تلاوت و انس با قرآن لذت می‌برند، طبق وعده خداوند نورانیت می‌یابند و ایمانشان کامل می‌شود. خداوند در این باره در قرآن کریم این چنین می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ وَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»؛ مومنان تنها کسانی هستند که هر گاه نام خداوند شود، دل‌هایشان ترسان می‌گردد و هنگامی که آیات آن بر آن‌ها خوانده می‌شود، ایمانشان فزون‌تر می‌گردد و تنها بر پروردگارشان توکل دارند (انفال ۲).

نتیجه

انس با قرآن، با آنچه که از احادیث و آیات و روایات بیان شد؛ سعادت دنیا و آخرت همه‌ی انسان‌ها را تضمین می‌کند.

انسی که به واسطه‌ی آن انسان به برکاتی چون؛ آرامش، خودسازی و تعالی معنوی، تقویت حافظه، مقامات دنیوی و اخروی نائل گردد. و بیان شد که راه ایجاد انس با قرآن کارهایی از قبیل: حفظ قرآن، قرائت قرآن، تدبیر در قرآن، نگهداری قرآن در خانه و...، است. هر انسانی که می‌خواهد دنیا و آخرت خویش را آباد کند، انس با قرآن، حلال مشکلات در این باره خواهد بود.

اما ما اگر بخواهیم به این اهداف والا برسیم و مدینه‌ای فاضله داشته باشیم، باید انس با قرآن رادر کشور و جامعه‌ی خود به وسیله؛ گرفتن جلسات قرآنی، رسیدگی به امور حافظان و تشویق آن‌ها، اختصاص بودجه‌ای خاص به این طرح، تشکیل کلاس‌های قرآنی و... رواج دهیم. ان شاءالله.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی، عبدالواحد، ۱۳۸۹، غررالحکم، مؤسسه انتشارتی امام عصر(عج)، چ ۷.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۳۸۷، معجم مقاییس اللغة، موسسه چاپ زيتون، چ ۱.
۴. جوادى آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، تفسير تسنيم، اسراء، چ ۱، چ ۱.
۵. حقیجو، محمد حسین، ۱۳۷۰، حفظ و تقویت حافظه، انتشارات فاطمه الزهرا(س)، چ ۲.
۶. خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۰، دغدغه‌های فرهنگی، موسسه صهبا، چ ۱.
۷. رضایی اصفهانی، محمد رضا، ۱۳۷۹، انس با قرآن کریم، انتشارات شهید مسلم، چ ۲.
۸. علی بن ابی طالب(ع)، امام اول، ۴۰ق، نهج البلاغه، پیام قدس، چ ۳.
۹. علی بن حسین(ع)، امام چهارم، ۳۸-۹۴ق، صحیفه سجادیه، انتشارات پیام عدالت، چ ۲.
۱۰. قمی، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، ۱۳۶۶، ثواب الاعمال، کتاب خانه صدوق، چ ۲.
۱۱. کلینی، محمد یعقوب ابن اسحاق، ۱۳۴۸، اصول کافی، انتشارات عملیه اسلامی، چ ۱، چ ۱.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۷، برگزیده تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چ ۱۳، چ ۱.
۱۳. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۰۴ه. ق، بحار النوار، موسسه الوفاء، چ ۱، چ ۱ و ۲ و ۷۶.
۱۴. الهندی، علی المتقی بن حسام الدین، ۱۳۹۷ه. ق، کنز الاعمال، سکینه التراث الاسلامی، چ ۱، چ ۹.